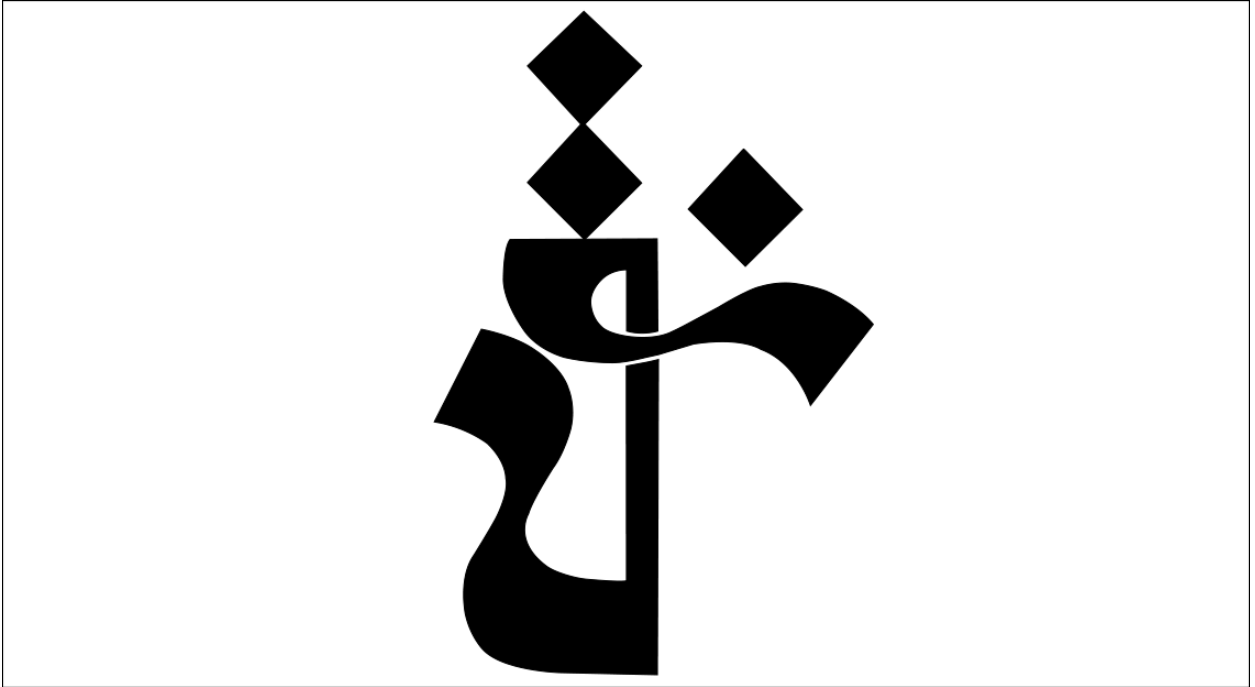
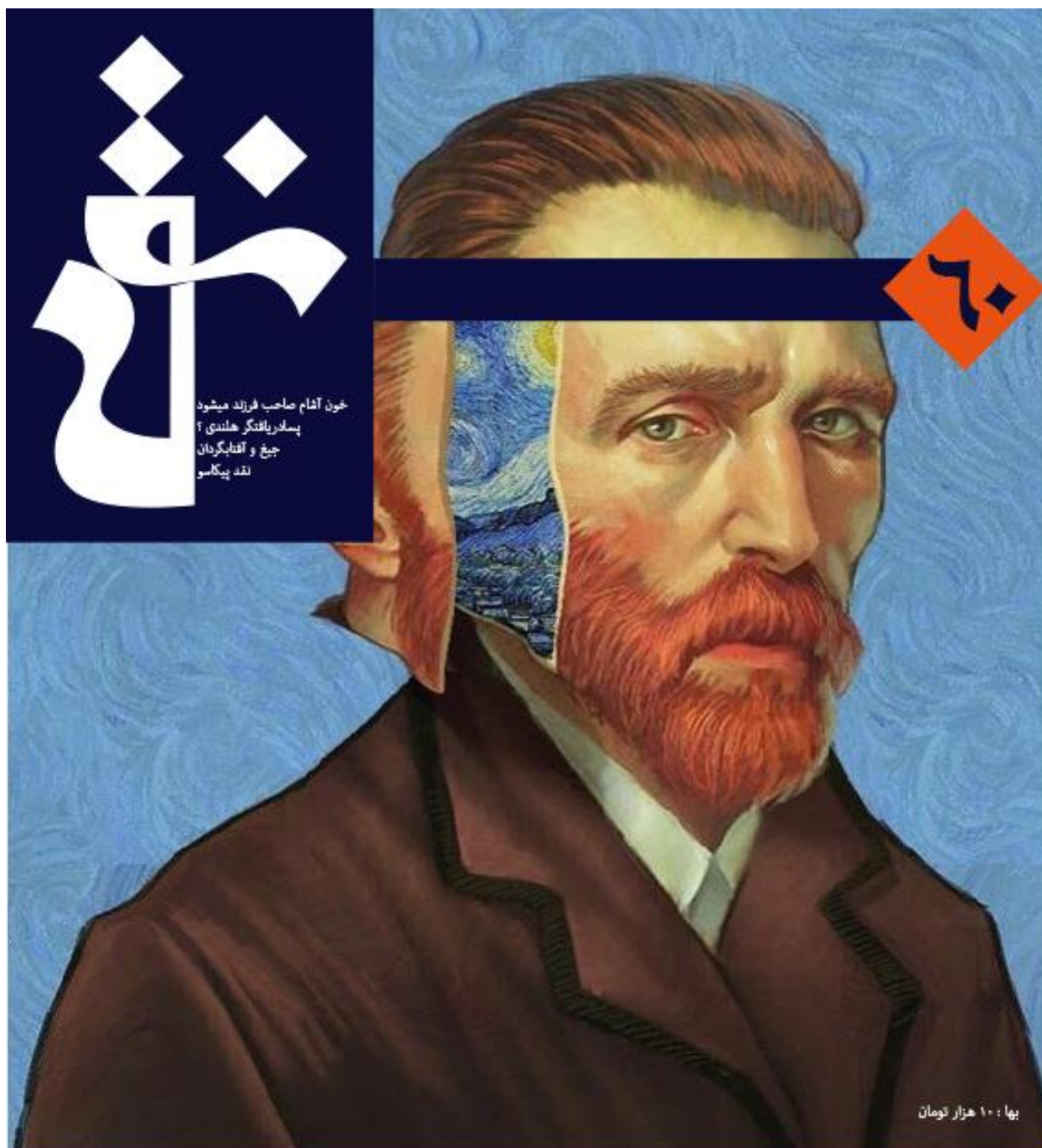


طراحی مجله

لوگو





شاه

خون آسام صاحب فرزند میشود
پسند ریافتگر هلندی، آ
جیغ و آفتابگردان
نقد پیکاسو

۶

بها : ۱۰ هزار تومان



شعر



- ۱.....خون آشام
- ۲.....عشق و درد
- ۳.....شور زندگی
- ۴.....استفاده از رنگ
- ۴.....حالت و لحن و احساس
- ۵.....آفتابگردان
- ۶.....جیغ
- ۶.....شمشیر و ویالون

مدیر مسئول: مهدی یازرگانی
مدیر بیزنس: علی سلطانی - محسن وطنی
مدیر تحریریه: زهرا شیرزاد
مدیر هنری: همایون همتی
صفحه آرایی: فاطمه رحیم زاده
گروه هنری: مجید صالحی
سارا فریدی
نعیم نعمتی
سروش قاسمی
اعضای تحریریه: مرگان بهشتی
دلارام بهمنش
زیبا احمدی
مسعود رحمتی
المون مقدم
مدیر اجرایی: فاطمه رحیم زاده
ویراستار: حسام الدین موسوی
تلفکس: ۸۸۲۶۶۸۰
پست الکترونیک:
saghari@yahoo.com

شور زندگی

زندگی‌نامه و نقد اثر ونسان ون‌گوگ



استفاده از رنگ:

در مورد رنگ های تکرار شده در این اثر به ویژه تسلط رنگ زرد بحث های زیادی

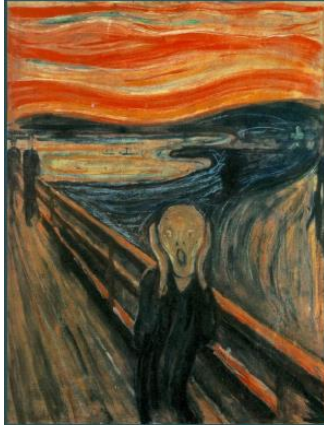
شیر پرستاره یک نقاشی رنگ روغن است که توسط نقاش و طراح معروف پساادریانگر هلندی ونسان ون‌گوگ در سال 1889 خلق شده است. این اثر که تنها یکی از شاهکارهای ون‌گوگ است بلکه بعنوان یکی از شاهکارهای هنر نوگرای اروپا نیز به شمار می آید. ون‌گوگ این اثر را در بیمارستانی روسی در جنوب فرانسه که در آن بستری بود و یک سال قبل از خودکشی اش کشید. این اثر هم اکنون در موزه ی هنر مدرن در نیویورک نگه داری میشود

مطرح شده است. بسیاری معتقدند ون‌گوگ از مسمومیت سریه یا یک نوع بیماری ذهنی رنج میبرده به همین دلیل در کارهای آخر خود از چنین رنگ های جیبی استفاده میکرد است. استفاده ون‌گوگ از رنگ سفید و زرد باعث ایجاد نوعی اثر مارپیچ وار می شود و توجهات را به سمت آسمان معطوف می کند. خطوط عمودی همچون درخت سرو و برج کلیسا باعث می شوند بدون این که به شب پر نفوذ این اثر خفته ای وارد شود ترکیب بندی در هم شکسته شود. استفاده از رنگ های آبی و سبز تیره در کنار استفاده جزئی از سبز روشن نشان دهنده انعکاس ماه است ساختارهای های مرکز طلایی شامل کله های کوچکتر از رنگ های زرد و نارنجی و غالب صحنه ای است ولی با کمک رنگ نارنجی عناصر آسمان شب نوعی افکار در تقاضای به وجود آمده است ون‌گوگ برای شب از رنگ های غنی استفاده کرده است و این ویژگی با مشخصه حقیقی این شب پر ستاره در ارتباط است در این نقاشی از رنگ ها برای ابراز احساسات استفاده شده است رنگ های تیره با چهره های روشن برج بلند کلیسا در مرکز شهر روی ساختمان های کوچکتر تقابلی از مقیاس زمینی همراه حس ثبات و عدا گرایی که معمولا در کارهای

دیگر ون‌گوگ نیز تکرار شده است میبندد علاقه ون‌گوگ به شب در تقاضای شب پر ستاره مشخص است. در این نقاشی آسمان به شکل قدرتمندانه بر بالای ابرن شهر آرام جای گرفته است. به نظر می رسد ون‌گوگ با نمایش ستاره های درخشان و روستای تیره و ساکت می خواهد تعداد بین مرگ و زندگی را به نمایش بگذارد. ستاره های درخشان و ملال ماه منطبق بر امیلی هستند

حالت و لحن و احساس:

از شب پرستاره تفسیرهای متعددی شده است. یکی از آن ها این است که این اثر امپرسیونیسم را به نمایش می گذارد. به نظر می رسد ون‌گوگ می خواسته نشان می دهد حتی با وجود چنین شب تاریکی همچنان می توان به نوری که از پنجره خانه ها می تابد دل بست. علاوه بر این اثر به ستاره های درخشان که آسمان را پر کرده اند نظریه رنگینکام توسط خولوسیم داد که همیشه نوری برای هدایت ما بوجود دارد. به نظر می رسد ون‌گوگ در نهایت از پهنای خود اجتناب پیدا کرده و هیبت خود را پدید آورده است. او می توانست بعد از مرگ در آرامش خواهد بود او این تصور را با استفاده از رنگ های برجسته در این اثر به نمایش می گذارد شب پرستاره نمایان گر قدرت طبیعت و همچنین گسای ماریجی و درخت سرو (فلفل) پهنه ی آسمان و طبیعت است همه این موارد به بهشت اشاره دارد



که با جنون ناپودگانه کلن (کنند) بیندگی است معنی که هرزور شده می خوانند بخشی از حرف های اثر را با تجربه های رنگی خوشحال وفق دهند و یا او به زبان شعرکی بپند (با دقت به نظریه ی مرگ مولف) در این اثر مجسمه ی سرزای پودانی نگاه نگه شده و جن به و ششور سمت سرزای نطق که نگاه کنی تبدیل به پودون شده است. من توان پیام این اثر را خوندیم خیالمان از میان رفت رنگ ها و زیبایی هال و کارهای نیارونده است. او طری بیکنس این برداشت هم صادق است. وایوان صالح دست سرزای است شاید پیکاسو می خواند تعهد خوندند را در حال مسائل سیاسی گستره کند و بگوید خوندیم هم کلام خاص خود را دارد و یک وایوان در عین حال شمشیر نیز هست. در تصویر منشی را می بینیم که کاشفی مجله می یاددنی را گرفته است که در دل این رنگ ها به هم ریختگی آتم های وجود دارند

عشق و درد
عشق و درد نام یک نقاشی از ادوارد مونک است که با نام خون آلوده نیز معرفی شده است. مونک این نقاشی را شش هفته پیش از آنکه در سال 1893 تا 95 کشیده بود. سه نسخه در موزه مونک در اسلو و یکی در موزه هنر گوتمبرگ و دیگری متعلق به یک کلکتور شخصی است و یک نقاشی نیز مفقود شده. این نقاشی زنی را با موهای گریخته ی فریزر نشان می دهد که مردی را در آغوش گرفته و بر گردن مرد بوسه می زند. اگر چه برخی تصور را به این شکل تفسیر کرده اند که یک خون آلوده در حال شکنجه ی مرد است. مونک خود همیشه ادعا می کرد این تصویر چیزی بیش از یک بوسه زن بر گردن همسرش را نشان نمی دهد. نقاشی برای اولین بار به توسط دوست مستعد مونک به نام استانیسلاو پریسیژوسکی خون آلوده نامیده شد. او یک خون آلوده را در حال مکیدن خون مرد از گردنش می دید. یک نسخه از این نقاشی از موزه مونک در 23 مارس 1988 به سرفرت رفت. در سال 2008 نیز در یک نمایش نقاشی سال 1894 به قیمت 38/2 میلیون دلار (24/3 میلیون پوند) به مزاج رفت

او چیغ می کشد!؟



ویاوان و شمشیر

این اثر متعلق به پابلو پیکاسو نقاش اسپانیایی و از پایه گذاران (اسک کوبیسم) است. آنچه در وهله ی اول و در برقراری ارتباط با این اثر وجود دارد نوحی احساس بیگانگی است که البته به خاطر وجود رنگ های متنوع در بیننده حالت برسام و به سوه آمدگی کمتری نسبت به کارهای دیگر او خلا (انس میانس) ایجاد می کند. در واقع این اثر اولین پاسی که به مخاطب می دهد وجود نظم در دل بی نظمی و قدرت ایجاد است. که چیزیما نظارون این ربط می توان نومی مارونی یا سلفونی رنگ ایجاد کرد. در واقع این نوع اثر که ما در نگاه اول و منحنی به آن ما سر در نیاوریم می خوانند ما را با این نکته آشنا کنند که در این اثر تجربه های بیگانه ما با وجود دارد که برای درک وجهه ی تابلو و ارتباط با او باید سعی در سدر داشته باشیم و تلاش کنیم زبان رنگ هایش را بفهمیم و درک کنیم یعنی آنچه هنر بازمانده است علاوه بر خردماند عشق و دیوانه

آفتابگردان

مستقلان هلند و بلژیک در یک پژوهشی دوساله دریافتند که ونگوگ در نقاشی (گل آفتابگردان) از تکنیک خلق افاده ای استفاده کرده است. به گزارش ایستا به نقل از گاردین بررسی های افشه ایکی روی مجموعه نقاشی های ولسان ونگوگ نشان می دهد که این نقاش نامدار هلندی از تکنیکی جالب استفاده کرده که در آن رنگ گریگ ها و سلفه های



آفتابگردان به تدریج در طول سال ها از زرد به رنگ زیتونی-خوبه ای تغییر رنگ می دهد. و ظاهری پرمده به نقاشی می دهد. بررسی ها نشان می دهد نقاشی ها از دو گروه متفاوت رنگ زرد استفاده کرده

فرزند خانواده بود و یک خواهر بزرگتر از خود به نام سولوی داشت که تقریباً هر دو نفر استعداد هنری خود را از مادر به ارث برده بودند. ادوارد یک سال پیشتر داشت که خانواده اش به اسلو نقل مکان کردند و 4 سال بعد یعنی در سال 1868 مادر خود را که مالا به بیماری سل بود از دست داد و پس از مرگ مادر ادوارد و سولوی با شمه کارن زندگی کردند. ادوارد پیشتر اوقات بسیار ها کند. یک سال پس از ترک تحصیل به نقاشی روی آورد و در سال 1881 در مدرسه سلطنتی هنر و طراحی ثبت نام کرد. استانش ژولوس میلتون یک نقاشی و مجسمه ساز ناکواگیش بود و در همان سال ادوارد به سرفرت نقاشی پرتو را فرا گرفت. تابلو وامپیر یا خون آلوده در سال 1894-1893 توسط وی کشیده شد. ادوارد متوجه 23 ژانویه سال 1944 در گذشت

عشق و درد
عشق و درد نام یک نقاشی از ادوارد مونک است که با نام خون آلوده نیز معرفی شده است. مونک این نقاشی را شش هفته پیش از آنکه در سال 1893 تا 95 کشیده بود. سه نسخه در موزه مونک در اسلو و یکی در موزه هنر گوتمبرگ و دیگری متعلق به یک کلکتور شخصی است و یک نقاشی نیز مفقود شده. این نقاشی زنی را با موهای گریخته ی فریزر نشان می دهد که مردی را در آغوش گرفته و بر گردن مرد بوسه می زند. اگر چه برخی تصور را به این شکل تفسیر کرده اند که یک خون آلوده در حال شکنجه ی مرد است. مونک خود همیشه ادعا می کرد این تصویر چیزی بیش از یک بوسه زن بر گردن همسرش را نشان نمی دهد. نقاشی برای اولین بار به توسط دوست مستعد مونک به نام استانیسلاو پریسیژوسکی خون آلوده نامیده شد. او یک خون آلوده را در حال مکیدن خون مرد از گردنش می دید. یک نسخه از این نقاشی از موزه مونک در 23 مارس 1988 به سرفرت رفت. در سال 2008 نیز در یک نمایش نقاشی سال 1894 به قیمت 38/2 میلیون دلار (24/3 میلیون پوند) به مزاج رفت



مونک در طول جشنواره نقاشی در سال 1889 به پاریس رفت و با دو همسرش تروای دیگر هم خانه شد. صبح های او در استدیویو شلوغ بناد می گذشت و بعدازظهرها در قایقگاه ها و گالری ها می روزه ها. مونک به کلاس های نقاشی یاد افاده ی پیشری نشان می داد و از تفسیر های استاد در طول بازدید از موزه لانت می برد. مونک به آثار هنر مدرن اروپا علاقه داشت به خصوص سه همسرند مشهور پل گوگن و ونسان ونگوگ و هنری تواتر لوئر که تمام آن ها از رنگ در نشان دادن احساسات استفاده می کردند. مونک به خصوص علاقه شدیدی به عکس العمل گوگن در مقابل رئالیسم داشت و عقیده او که هنر کار بشری است نه کپی از طبیعت صرف دل مونک بود. همان طوری که بعداً یکی از دوستان مونک گفت او نیز به سفر به تلمیچی برای تجربه کردن انسان های بدوی طبیعی ندارد او بدویت خود را با مردم تلمیچی همراه می کند. در دسامبر 1889 پدر او از دنیا رفت و هیچ چیز برایشان به جا نگذاشت ادوارد به نروژ برگشت و یک پام بسیار بزرگ از یک کوه بلند نروژی دریافت کرد وقتی که تمام اقوام شروع کردند او به او کمک نکردند. مرگ پدرش باعث افسردگی وی شد. مونک گفت: من با مرگ زندگی کردم. پدرم امانده و خواهرم و پدر بزرگم ... خودت را بشک و غلامی برار زنده ای! نقاشی های مونک در سال های بعد شامل سحنه های کش آمده و یک سری از تیره های منظره شهری بوده که او در روس جورج سورا که نقطه گذار بود آن ها را تجربه کرد. ادبیات نروژی در اواخر قرن نوزدهم با ظهور هنریک ایسن به عنوان پایه اندیشه نویسی با اختراع جهانی به مرحله ی نویسی گام نهاد

خون آشام صاحب فرزند می شود!

ادوارد متوجه 12 دسامبر سال 1863 در یک خانواده روستایی اما مسیحی در نروژ متولد شد. پدر ادوارد یک پزشک ارتشی بود و با دختر کم سن و سالی بنام لورا ازدواج کرده بود. ادوارد دومین

سرکار خانم فاطمه رحیم زاده